

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد طاهرزاده عزیز: استاد عابدینی در ابتدای صوت جلسه ۸۴ تفسیر قرآن خود می فرمایند: در هر زمانی باید خلیفه ای محقق باشد بصورت فعلیت، هر چند در دوران «فطرت من الرسل» باشد آن زمان هم باید خلیفه باشد. پس در دورات فطرت، رسول (به عنوان کسی که دین بیاورد) نبوده اما اینکه نبی در کار باشد یا وصی نبی در کار باشد این نفی نشده بلکه در بعضی از روایات قوی دیگر می گوید در هر زمانی اگر دو نفر هم در زمین باقی بماند باید یکی از آنها حجت الهی باشد. و حجت هم حتماً باید فعلی باشد چون خلیفه باید در تمام مراتب هستی، وجود داشته باشد. لذا چون بحث واسطه در فیض می شود در هر عالمی از مراتب وجود، خلیفه باید همه مراتب وساطت در فیض بودن را دارا باشد و در هر عالمی که وجود نداشته باشد آن عالم نابود می شود. چون آن عالم وساطت در فیض را ندارد.» اما استاد عبور می کنند و بیان نمی کنند این حجت الهی به عینه و فعلیت (یعنی با جسم مادی) در زمان فطرت چه کسی بوده. آیا می شود گفت خضر نبی بوده؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ظاهراً جناب حضرت خضر در جایگاه واسطه‌ی فیض نباشند. زیرا مثلاً در زمان حیات پیامبر خدا و ائمه «علیهم‌السلام» جناب خضر در قید حیات‌اند ولی واسطه‌ی فیض نیستند. آری! می‌توانیم بگوییم در همه‌ی زمان‌ها، واسطه‌ی فیض هست ولی در بعضی از زمان‌ها تحت قبه‌ی الهی باشند که «لا یعرفهم احداً». حضرت علی «علیه‌السلام» می‌فرمایند: «ما برح لله عزت آلاوه فی البرهة بعد البرهة و فی ازمان الفترات عباداً ناجاهم فی فکرهم و کلمهم فی ذات عقولهم فاستصبحوا بنور یقظة فی الابصار و الاسماع و الافیدة» برای خداوند که نعمتهایش گرامی باد در هر برهه‌ای از زمان و در فاصله‌های زمانی میان بعثت پیامبران همواره بندگانی بوده است که با آنان در اندیشه‌هایشان نجوا کرد و در درون خرده‌هایشان با آنان سخن گفت و بدین سبب آنان چشم‌ها و گوش‌ها و دل‌هایشان از نور بیداری تابناک گردید. موفق باشید